

جستجوی منابع جدیدی در رابطه با نام سراینده و تخمین زمان سرایش *برزونامه‌ی کهن*

فرزاد قائمی*

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در پژوهش‌های پژوهشگران، بخش *کهن برزونامه*، ابتدا به عطایی رازی، سپس به شاعری به نام شمس‌الدین محمد کوسج نسبت یافته که نامش فقط در اقدم نسخ باقی مانده است. وجودنداشتن اسناد دیگر درباره‌ی نام اخیر باعث شده، برخی پژوهشگران نیز سراینده‌ی اثر را گمنام فرض کنند. در این جستار با پیداکردن شواهد دیگری در نسخه‌های متن، اولاً سرودن متن به دست شاعر با نام کوسه یا کوسج ثابت شده است؛ ثانیاً این نکته روشن می‌شود که تا سده‌ی دوازدهم هجری، برخی کاتبان *شاهنامه*، از سرایش داستان برزوی ملحق به *شاهنامه* به دست وی، آگاه بودند. همچنین ضمن معرفی نسخه‌ی دیگری از داستان برزو با فاصله‌ی سه‌سال با نسخه‌ی کمبریج (نسخه‌ی هند) و مقایسه سه نسخه‌ی قدیم‌تر متن *برزونامه*، زمان احتمالی سرایش متن، قرن هفتم تخمین زده شده است و درضمن مشخص شده که نسخه‌ی کمبریج، بهترین نسخه‌ی موجود از متن نیست و با متن مادر، فاصله‌ی زیادی دارد.

واژه‌های کلیدی: *برزونامه‌ی کهن*، *شاهنامه*، نسخه‌ی کمبریج، نسخه‌ی هند، نسخه‌ی سن پترزبورگ.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی ghaemi-f@um.ac.ir

۱. درآمد

در رویکرد چندصدساله‌ی نقد متنی (The Textual Criticism)، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های نقد منابع (The Source Criticism)، منتقد برای شناسایی و تحلیل خاستگاه و پیشینه‌ی یک متن کلاسیک، در گام نخست، نه صورت، ساختار و محتوای اثر را که تنوع واریانت‌ها (دیگرنوشت‌های) نسخ (The Variants of a Manuscript)، را به‌عنوان اصلی‌ترین منبع استقصای داده‌های علمی کاوش می‌کند و با استقرا و تحلیل یافته‌های این استقصا، نسبت متن را با زمان و مخاطب توصیف می‌کند. در این رویکرد، نمی‌توان هویت متنی یک اثر را با تحلیل محتوای نسخه‌ی چاپی آن بازجست. طبیعت متن نیز، نه حقیقتی قطعی و ذهنی که واقعیتی نسبی و عینی است که باید عناصر و مشخصات شکل‌دهنده‌ی آن را نه از بین سطور یک متن واحد، بلکه باید از رهگذار تنوع ضبط‌های متنی آن تحلیل کرد. علت این رویکرد به وجودداشتن یک نسخه‌ی مادر فرضی بازمی‌گردد که در زمانی دور مؤلف نگاشته است و در ضمن اهمیت اثر باعث شده است، در طول تاریخ، زنجیره‌ای از مؤلفان غیرحقیقی، در عرض مؤلف حقیقی، به کیفیت‌های یک اثر شکل داده باشند؛ بنابراین «هویت» اثر را باید از دل مجموعه‌ی این نسخه‌ها بازجست.

برزونامه‌ی کهن، مشهورترین و کهن‌ترین روایت موجود از داستان برزو، یکی از شناخته‌شده‌ترین و تحسین‌شده‌ترین منظومه‌های حماسی پس از فردوسی است که خیلی‌زود به‌عنوان متنی «الحاقی» وارد نسخه‌های شاهنامه‌ی فردوسی شد و به‌همین دلیل تنها یک نسخه‌ی کامل «مستقل» تا امروز در کتابخانه‌های جهان از این متن شناسایی شده است. شاید به‌همین دلیل نداشتن استقلال متنی و طبیعت الحاقی بودن اثر است که پس از دو‌یست‌سال از شناختن این اثر ارزشمند و با توجه به پژوهش‌های درخور توجه پژوهشگران درباره‌ی آن، هنوز ابهام‌های بسیار زیادی درباره‌اش وجود دارد. در این جستار، به چند مورد از اصلی‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود. نگارنده‌ی این جستار معتقد است، متکی بودن تحقیقات موجود بر منابع غیرمستقیم، یکی از عوامل این دشواری‌های عمیق درباره‌ی متن است و به‌همین‌علت، برای رسیدن به پاسخ، مطالعه‌ی خود را بر

نسخه‌های متن استوار کرده و کوشیده است، بر پایه‌ی نقد متن‌شناختی نسخه‌های برزنامه‌ی کهن، به سه پرسش بنیادین درباره‌ی متن پاسخ دهد:

۱. درباره‌ی هویت سراینده، غیر از نسخه‌ی اقدم کمبریج، آیا اسناد دیگری نیز وجود داشته است و در بین کاتبان شاهنامه، نام این سراینده آیا یکسره پوشیده بوده است یا شناختی هرچند اندک از او موجود بوده است؟

۲. زمان احتمالی سرایش برزنامه‌ی کهن بر مبنای قرائن متن‌شناختی و نسخ اقدم آن، و نه حدس و اجتهاد، چه زمانی می‌تواند باشد؟

۳. نسخه‌های متن درباره‌ی انگیزه‌ی او از خلق اثر چه شواهد مهمی در اختیار منتقدان قرار می‌دهند که تا امروز از آن غفلت شده است؟

این جستار برای پاسخ به پرسش‌های بالا، روش تحقیق کیفی بر مبنای رویکرد نقد متن‌شناختی را استفاده کرده است و می‌کوشد با مطالعه و تحلیل داده‌های مستخرج از نسخه‌های متن، قرائنی را استقصا کند که محتمل‌ترین پاسخ را برای این پرسش‌ها ترسیم کند. با توجه به جنبه‌ی بنیادین این پژوهش که اطلاعات ما را در تاریخ ادبیات فارسی، درباره‌ی یکی از مهم‌ترین متون حماسی فارسی تکمیل می‌کند و جنبه‌ی تاریخی این اطلاعات، پیشینه‌ی پژوهش و نقد داده‌های پیشینه از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود؛ لاجرم در بخش آغازین جستار به پیشینه‌ی نظرهای موجود درباره‌ی هویت سراینده و عصر سرایش متن می‌پردازیم.

۱.۱. پیشینه‌ی تحقیقات درباره‌ی هویت سراینده و عصر سرایش برزنامه‌ی کهن

بعد از معرفی اولیه‌ی نسخی برزنامه در سده‌ی هجده میلادی که دوپرن (Anquetil-Duperron) از هندوستان به فرانسه آورده و به شاعری با نام «عطایی» نسبت داده بود، اولین کسی که درباره‌ی هویت اثر حکم صادر کرد، مؤلف فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی پاریس، بلوشه (Edgar Bloche) بود. (Blochet, 1954: 22) او در تطبیق نام «عطایی» با دو تذکره‌ی معتبر فارسی، لباب‌الالباب عوفی و مجمع‌الفصحای رضاقلی -

خان هدایت، به جستجوی یک نام موفق شد: خواجه عمید ابوالعلاء عطاء بن یعقوب ناکوک، مشهور به «رازی» (اهل ری)، شاعر- دبیر توانای دربار سلطان ابراهیم غزنوی در هند و صاحب تبخر در قصیده‌ی فارسی و عربی که بنابه قول عوفی در ۴۹۱ و بنابه قول هدایت در ۴۷۱ ه.ق. در لاهور درگذشته بود. (رک. عوفی، ۱۳۳۵: ۷۲-۷۵؛ هدایت، ۱۳۳۶-۱۳۴۰: ۸۷۳/۲-۸۷۶) هم‌زمان با بلوشه، مول در *دیباچه‌ی شاهنامه*، درباره‌ی این انتساب تردید کرده، ولی متن را به سده‌های ۵-۶ نسبت داده بود. (Molé, 1953: LXVII)

با وجود تردید مول، نظر بلوشه که بر مستندات صحیحی استوار نبود، بدون هیچ‌نقد و تحقیقی وارد اغلب منابع تاریخ ادبیات فارسی، اعم از غربی یا ایرانی شد. از جمله استوری، در بزرگ‌ترین کار پژوهشی خود، *Persian Literature* که شامل فهرست بسیاری از کتب فارسی همراه با زندگی‌نامه‌ی موجز نویسندگان آثار بود، اولین کسی بود که به دوبخشی‌بودن *برزونامه* اشاره کرد، ولی نظر بلوشه درباره‌ی سرایش اثر در سده‌ی ۵ را تکرار کرد. (Storey, 1970: 5/558) بعد از استوری، هانوی در مقاله‌ی اول مدخل «برزونامه» *ایرانیکا* این نظر و انتساب به عطایی رازی را تکرار کرده (Hanaway, 1990: IV/380-381)، از طریق مقاله‌ی وی، این اشتباه وارد *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، چاپ اروپا و ترجمه‌ی فارسی آن در ایران، و دیگر دانشنامه‌های علمی فارسی، تا زمان اخیر شد. (هانوی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۹۶۵؛ شکوهی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۷۵۷؛ شمس و جعفری قنواتی، ۱۳۹۱، ج ۲: مدخل «برزونامه»؛ مصاحب، ۱۳۴۵: ۱۷۴۱) ذبیح‌الله صفا نیز که *برزونامه* را از حیث «موازین حماسه‌سرایی و از لحاظ ترتیب میدان‌های جنگ و تسلسل وقایع و وصف پهلوانان و استعمال کلمات و ترکیبات حماسی، از *گرشاسب‌نامه‌ی اسدی* بهتر و زیباتر» و آن را بهترین حماسه‌ی فارسی بعد از *شاهنامه‌ی فردوسی* می‌دانست، بدون هیچ‌تردید این اثر را سروده‌ی عطایی رازی دانست. (رک. صفا، ۱۳۳۳: ۳۰۹-۳۱۰؛ صفا، ۱۳۴۷: ۴۷۷) با توجه به جایگاه بنیادین آثار صفا در پژوهش‌های نیم‌قرن اخیر ادبیات فارسی، غالب منابع بعد از وی، اعم از منابع درجه‌اول پژوهشی و منابع کم‌اهمیت‌تر، نظر غیرمستدل بلوشه را با واسطه‌ی صفا تکرار کردند (رک. رزمجو، ۱۳۸۱: ۱۲۲-۱۲۳؛ ریاحی، ۱۳۸۷: ۳۳۹؛

خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۲۸۶؛ خانلری کیا، ۱۳۴۱: ۶۶؛ شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۸۲-۱۸۳؛ معصومی، ۱۳۹۳: ۱۲۲۴؛ کویر، ۲۰۱۶: ۳۲۶؛ ملکی، ۱۳۸۰: ۲۱) و حتی در دو چاپ مختلف *برزونامه‌ی کهن*، در مورد اول (دبیرسیاقی: ۱۳۸۲)، مصحح که متن داستان برزو را از روی نسخه‌ی ناقص موجود در بخش ملحقات شاهنامه‌ی ماکان، همراه داستان کک کوهزاد، منتشر کرده بود، صراحتاً نام عطایی را به‌عنوان سراینده (البته با ذکر قید «منسوب») بر پیشانی کتاب نهاده؛ در مورد دوم (محمّدی: ۱۳۸۴)، مصحح که متن را بر مبنای سه نسخه تصحیح کرده بود، نام عطایی را از جلد کتاب (با عنوان «حماسه برزونامه») حذف کرده، تردید در انتساب اثر به عطایی را در مقدمه تکرار کرده، اما کماکان در سرشناسه‌ی اثر، نام عطاءبن یعقوب و قرن پنجم را به‌عنوان نام پدیدآور و عصر تألیف آن حفظ کرده بود. در هر حال یک‌دهه قبل از انتشار این کتاب‌ها، در مقاله‌های پژوهشی فارسی و همچنین برخی پژوهش‌های غربی انتساب *برزونامه* به عطایی رازی رد شده بود. در ایران اول کسی که این انتساب را به‌چالش کشید، عباس سلمی بود. او مقاله‌ای نوشت که به معرفی *برزونامه‌ی موجود در نسخه‌ی شاهنامه‌ی کتابخانه‌ی رایلندمنچستر*، با شماره‌ی MS.841، مورخ ۱۰۸۱ ه.ق. (و حاوی روایت مرگ برزو) اختصاص داشت. سلمی در مقدمه‌ی مطلب، ضمن رد این انتساب، برای اول‌بار نسخه‌ی کمبریج و نام کوسج موجود در آن نسخه را مطرح کرد. (رک. سلمی، ۱۳۷۳: ۱۸-۳۳) این نسخه (Kings Ms. No. 56)، مورخ ۸۲۹ ق. که در کتابخانه‌ی دانشگاه کمبریج نگهداری می‌شود، اول‌بار توسط ادوارد براون معرفی شد؛ اگرچه او متن را به‌عنوان ادامه‌ای بر داستان رستم و سهراب قلمداد کرده، نام موجود در ترقیمه‌ی آن را به‌غلط کویج kawij خوانده بود. (رک. براون، ۱۹۲۲: ۳۰) در غرب اولین کسی که انتساب *برزونامه* به عطایی را به‌طور مستدل رد کرد، دوبلوا (De Blois) بود. اگرچه او اشتباه براون در خوانش کویج را تکرار کرده، این نام را مرتبط با کاتب و بی‌اهمیت دانسته بود؛ لیکن حدس بلوشه و پیروانش درباره‌ی نام «عطایی» را محصول بدخوانی بیتی از *برزونامه* و نهایتاً سراینده‌ی متن را گمنام دانسته بود. (De Blois, 1994: 569) او همچنین در نقد نسخه‌های متن به این نتیجه رسید که این اثر اغلب به‌عنوان متنی الحاقی

در دستنویس‌های شاهنامه ظاهر می‌شود. (همان: ۵۷۰) در توجیه دوگانگی نسخه‌های برزنامه نیز اصل اثر را متنی طولانی و برزنامه‌های کوتاه را فشرده یا مستخرج از برزنامه‌ی بلند دانست؛ نکته‌ای که قطعاً غلط است؛ چون این دو بخش، سروده‌ی دو شاعر متفاوت است. او تصریح کرد تا وقتی تمام نسخه‌های اثر بررسی انتقادی نشود، درباره‌ی قدمت متن و هویت شاعر نمی‌توان نظر قاطع داد. (همان: ۵۷۰-۵۷۱)

بهترین پژوهش بعد از دوبلوا درباره‌ی هویت سراینده، به اکبر نحوی تعلق دارد. او در ۱۳۸۷ بر پایه‌ی پنج نسخه‌ی برزنامه بهترین تصحیح موجود از متن را منتشر کرد و در مقدمه‌ی کتاب دلایلی در ابطال انتساب برزنامه به عطاءبن یعقوب آورد و ضمن رد مستدل این نظر که برزنامه‌ی کوتاه ملحق به نسخه‌های شاهنامه، خلاصه‌ی متن بزرگتری باشد، بر پایه‌ی نسخ برزنامه ثابت کرد، این منظومه دارای دو بخش کهن (کوتاه) و جدید (بلند) مستقل از یکدیگر بوده، توسط دو شاعر مختلف در ادامه‌ی هم سروده شده است. همچنین بنابر انجامه‌ی نسخه‌ی کمبریج، گوینده‌ی منظومه را شاعری گمنام به نام «شمس‌الدین احمد میربن محمد کوسج» معرفی نموده، حدس زد که وی به احتمال بسیار، در قرن هشتم می‌زیسته است. (رک. کوسج، ۱۳۸۷: سی و یک - سی و نه) بعد از این پژوهش‌ها دانشنامه‌ی ایرانیکا، در نسخه‌ی آن‌لاین خود، تصمیم به جایگزینی مدخل برزنامه‌ی هانوی با مدخلی مبتنی بر اطلاعات صحیح‌تر گرفت؛ نکته‌ای که متأسفانه دانشنامه‌ها و پژوهشگران داخلی از آن غفلت ورزیده‌اند. گابریل وندنبرگ، در مقاله‌ی دوم مدخل «برزنامه»ی ایرانیکا و مقاله‌های دیگری که متعاقباً درباره‌ی سیر این داستان در نسخه‌های شاهنامه نگاشت، اگرچه درباره‌ی زمان سرایش برزنامه به تکرار نظر رایج انتساب آن به سده‌ی ۱۱ میلادی (۶-۵ هجری) بدون رد یا تایید آن، بسنده کرد، با تردید در سندیت هر دو نام مستخرج از نسخه‌های (کوسج و عطایی)، تصریح کرد که مؤلف مشخص نیست. او نسخه‌های موجود برزنامه را به دو بخش برزنامه‌های الحاقی و مستقل و همچنین کوتاه و بلند تقسیم کرد و ضمن تایید استقلال دو بخش کوتاه و بلند، داستان کوتاه را ادامه‌ی طبیعی رستم و سهراب دانست.

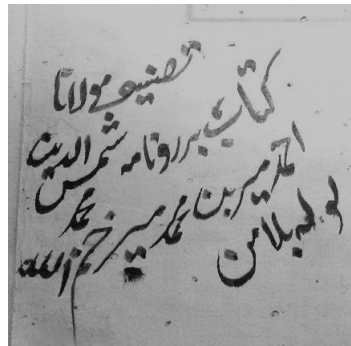
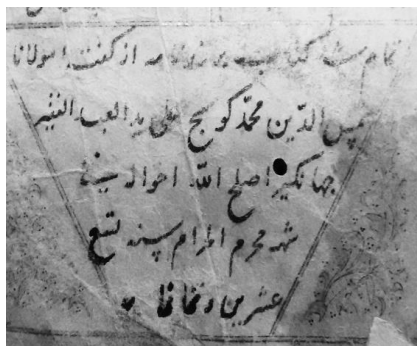
روایت‌های سیستان بوده که به صورت واریانت‌های کوتاه و بلند ظاهر شده است. (Van den Berg, 2009: *Barzu-nāma*2; 2006:97-114; 2011: 1-10) ون‌زوتن نیز بر طریق دوبلوا و ون‌دبرگ، نام‌های عطایی و کوسج را محصول بدخوانی بیت یا تخلیط نام کاتب با شاعر می‌داند و معتقد است، داستان برزو در اصل متنی طولانی، متعلق به حلقه‌ی روایت‌های سیستان بوده که به صورت واریانت‌های کوتاه و بلند ظاهر شده است. (Van Zutphen, 2014: 121-128)

در ادامه‌ی جستار، در تحلیل پرسش‌های این پژوهش، در بخش اول، زمان سرایش و در بخش دوم، تثبیت هویت و اغراض سراینده بررسی خواهد شد.

۲. داده‌های جدید درباره‌ی نام سراینده‌ی برزونا‌مه‌ی کهن

اگر همچنان در برخی منابع غربی در خصوص سراینده‌ی برزونا‌مه‌ی کهن ترجیح داده‌اند، او را ناشناس فرض کنند، بخشی از این مسئله نبودن نام کوسج در هیچ منبع یا نسخه‌ای غیرنسخه‌ی کمبریج بوده است. البته کیفیت پایین تصاویر عکسی یا میکروفیلم و بدخوانی براون و بلویس درباره‌ی نقل نام کوسج به صورت مغلوپ و بی‌معنای «کویج» نیز به تردید کسانی چون دوبلوا و ون‌دبرگ در این زمینه دامن زده است. عکس‌های جدید از نسخه‌ی کمبریج به وضوح در دو موضع (صفحه‌ی قبل از صفحه‌ی آغازین و صفحه‌ی ترقیمه‌ی نسخه) نشان می‌دهد که قرائت سلمی و نحوی صحیح است و نام شاعر «کوسج» ذکر شده است: «تصنیف مولانا کتاب برزونا‌مه‌ی شمس‌الدین احمد میربن محمد میرخم الله لوله بلامن» ص ۱۱ (برگ قبل از برگ آغازی).

و «تمام شد کتاب برزونا‌مه از گفته‌ی مولانا شمس‌الدین محمد کوسج علی یدالعبد الفقیر جهانگیر اصح‌الله احواله، فی شهر محرم‌الحرام، سنه تسع [و] عشرین و ثمان‌ماه» ص ۹۴ (ترقیمه‌ی نسخه).



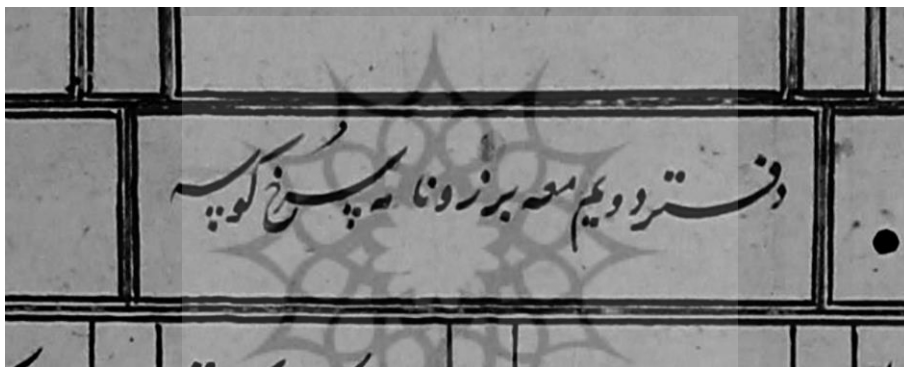
تصویر ۱. برگ‌های ۱a و ۹۴b از نسخه‌ی کمبریج.

واژه‌ی کوسج (Kusaj) در فرهنگ‌های لغت فارسی و عربی (چون منتهی‌الارب، آنندراج، ناظم‌الاطباء و...)، معرب کوسه یا کوسق فارسی [کوسگ فارسی میانه] دانسته شده است. این واژه از لحاظ لغوی به کسی اطلاق می‌شد که «ریش او بر زنج باشد، نه بر رخسارها»؛ منظور کسی است که ریشی تُنک و پراکنده و با رویش اندک داشته باشد. درحقیقت، کوسج نه معرب شکل فارسی دری کلمه (کوسه) که معرب ساخت میانه‌ی آن (کوسگ) است (مشابه رُستاق که معرب رُستاک است و نه روستا). استعمال واژه‌ی کوسه به صورت لقب برای افراد، از قرون ماضیه سابقه داشته است؛ از جمله ابویعقوب اسحاق بن منصور، معروف به کوسج که سمعانی می‌گوید: اکنون کوچه‌ای در مرو منسوب به اوست. (انساب سمعانی، نقل از دهخدا) همچنین سهل بن شاپور، طبیبی اهل اهواز، متوفی ۲۱۸ق. که با یوحنا بن ماسویه و جورجیس بن بختیشوع اخبار و مزاح‌ها داشته، اثری عربی به نام الاقربادین از او مشهور بوده، شهرت کوسج داشته است (اعلام زرکلی، نقل از دهخدا).

بدین ترتیب وجود لقب کوسج برای شاعر عجیب نبوده است. مشکل دیگر، تک‌بودن منبع ذکر نام اوست که می‌تواند به اشتباه کاتب در درج نام کاتب نسخه‌ی اصل به جای نام شاعر تفسیر شود. در این خصوص نیز در نسخه‌های مختلف برزنامه‌ی کهن اطلاعاتی وجود دارد که پژوهشگران به علت بررسی نکردن همه‌ی نسخه‌ها از آن‌ها بی‌بهره مانده بودند. مطابق جستجوی انجام‌شده، علاوه بر نسخه‌ی کمبریج، در نسخه‌های مختلف برزنامه، اسناد دیگری نیز درباره‌ی نام این شاعر کشف شد که برای نخستین بار در این

جستار طرح می‌شود. در نسخه‌ای از شاهنامه، موجود در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی با شناسه‌ی a۴۱۲۷، با این‌که داستان برزو از ص ۱۲۲- ب با عنوان «آغاز داستان برزوی سهراب، پسر رستم دستان» آغاز می‌شود، بعد از اتمام دفتر اول (پایان داستان فرود و قبل از آغاز داستان کاموس گشانی و بعد از عنوان «تَمَّتْ دفتر اول» و افزودن یک برگ سفید)، در ابتدای دفتر دوم، ذیل تذهیب ساده‌ی نسخه، این عنوان با شنگرف تحریر شده است: «دفتر دویم [شاهنامه‌ی فردوسی]، مَعَهُ برزونا مِی سرخ کوسه» (شاهنامه آستان قدس

رضوی a۴۱۲۷: ۹۶-آ)

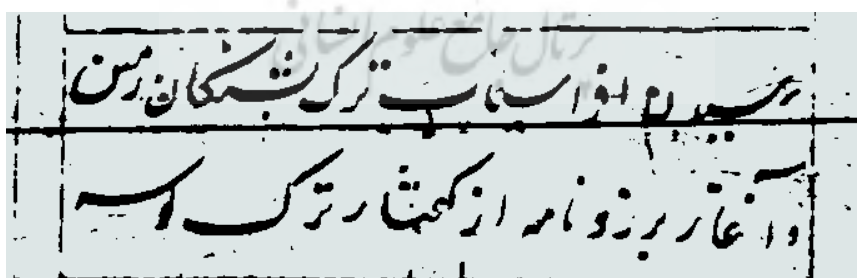


تصویر ۲. برگ ۹۶-آ از نسخه‌ی شاهنامه‌ی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی با شناسه‌ی a۴۱۲۷.

این نسخه در تاریخ ۱۱۶۶ ق. در یک مجموعه‌ی ۱۷۰ مجلدی برای کتابخانه‌ای در اصفهان وقف شده است و بر مبنای کیفیت‌های خط و کاغذ، احتمالاً در همان اوایل سده‌ی ۱۲ یا اواخر ۱۱ تحریر شده است. نکته‌ی جالب درباره‌ی این نسخه، شباهت بسیار ضبط‌های نسخه با نسخه‌ی قرن نهمی کمبریج، در مقایسه با نسخه‌های معاصر خود است؛ در نتیجه از روی نسخه‌ای با کیفیتی کتابت شده که از تبار نسخه‌ی کمبریج بوده است. از جمله در قطعاتی از متن که به عنوان نمونه در بخش بعدی مقاله ذکر خواهد شد، در همه‌ی موارد اختلاف، این نسخه ضبدهایی شبیه ضبط کمبریج دارد. آیا این بدان معنا نیست که نام شاعر در یکی از نسخه‌های اصلی متن موجود بوده، در برخی رونوشت‌های آن حفظ شده است؟

علاوه بر تأیید هویت کوسج به عنوان سراینده‌ی *برزونامه‌ی کهن*، نکته‌های مهمی دیگری که از این نسخه قابل دریافت است، یکی شناخته شدن شاعر *برزونامه* در حدود چهار سده پس از کتابت نسخه‌ی *کمبریج*، دست کم نزد برخی کاتبان است و دیگری این که خود کاتبان، یا بخشی از آن‌ها، به این مسئله واقف بودند که این متن در *شاهنامه* «الحاقی» است و سروده‌ی فردوسی نیست. این که کاتب نسخه *شمس‌الدین کوسج* را *سرخ کوسه* نامیده، محل تعجب است. شاید همچنان که *کوسه*، ساخت فارسی *کوسج* است، *سرخ* نیز در مقابل *شمس* (به معنی *خورشید* که به *سرخ* شهره است) به کار رفته، یا به لقبی از شاعر اشاره می‌کند که ناشناخته مانده و به اشتباه به *سرخ* تصحیف شده است. بدین ترتیب، این سند دوم درباره‌ی هویت *کوسج* (*کوسه*)، نقش او به عنوان سراینده‌ی *برزونامه‌ی کهن* را اثبات می‌کند.

علاوه بر این، سند *سومی* نیز هست که از دید پژوهشگران مغفول مانده است. نسخه‌ی *سوم حاوی* نام شاعر، نسخه‌ی شماره‌ی C.26 کتابخانه‌ی *بادلیان* دانشگاه *آکسفورد* انگلستان است که میکروفیلم آن به شماره‌ی ۱۲۱۳ در دانشگاه تهران موجود است. نسخه از نوع «مجموعه» و متعلق به سده‌ی ۱۱-۱۲ ق. و شامل منظومه‌های *سام‌نامه*، *گک کوهزادنامه*، *بهم‌نامه*، *برزونامه* و *بانوگشسب‌نامه* است. در بخش *برزونامه‌ی* این نسخه، در اولین عنوان متن، عبارت ذیل دیده می‌شود: «رسیدن افراسیاب ترک به سنگان زمین و آغاز *برزونامه* از گفتار تُرک کوسه» (مجموعه‌ی نسخه‌ی *بادلیان* C.26: برگ ۱۱۳۸)



تصویر ۳. برگ a ۱۳۸ از نسخه‌ی *بادلیان*.

«گفتن» و «گفتار» به معنی «شعر» و «سروده» کاربرد داشته، نام شاعر نیز «ترک کوسه» خوانده شده، ضمن تأیید نام کوسج (کوسه) برای وی، با صفت «ترک» از او یاد شده است. آیا شاعر متعلق به حوزه‌ای ترک‌خیز در آسیای میانه، صغیر یا آذربایجان بوده است یا دلیل دیگری برای نامیدن او بدین نام وجود دارد؟ نکته‌ی جالب‌تر درباره‌ی نسخه، این است که این نسخه نیز همچون نسخه‌ی قبل، از حیث تبارشناسی و ضبط‌های نسخه، به نسخه‌ی کمبریج بسیار نزدیک است. بدین ترتیب وجود نام شاعر در یکی از شاخه‌های تبارشناختی نسخه‌های متن (رونوشت‌های نسخه‌ی کمبریج) و تداوم ذکر نام شاعر در برخی نسخه‌های این تبار، تا سده‌ی ۱۱-۱۲ میلادی می‌شود. این نکته خود ثابت می‌کند که با داشتن اسناد بیشتر درباره‌ی هویت کوسج (کوسه)، تردید درباره‌ی سراینده‌ی برزنامه‌ی کهن محلی از اعراب ندارد.

۳. داده‌های جدید درباره‌ی عصر سرایش برزنامه‌ی کهن

در این بخش جستار، برای پژوهش درباره‌ی زمان سرایش متن برزنامه‌ی کهن، در جستجوی داده‌هایی علاوه بر نظرهای دیگر پژوهشگران هستیم. با توجه به وجودداشتن تاریخ دقیق برای سرایش اثر، ناگزیر هستیم در چنین مواقعی، بر مبنای قرائن موجود، حداقل (کمینه) و حداکثر (بیشینه) زمان سرایش متن را تخمین بزنیم تا با بیشترین اطمینان ممکن، بازه‌ی احتمالی سرایش اثر را مشخص کنیم. این قرائن درباره‌ی هر متن در دو رده‌ی ذیل شناسایی و تحلیل خواهد شد:

۱.۳. کمینه‌ی زمان سرایش

با توجه به پیشینه، پژوهشگران دو زمان را برای تاریخ سرایش متن مطرح کرده بودند؛ یکی زمان سرایش متن به دست عطایی رازی بود که با ردّ این انتساب، آن زمان دیگر معنایی نخواهد داشت. تنها حدس مطرح‌شده‌ی دیگر متعلق به نحوی است که تا امروز، ضمن ارائه‌ی بهترین تصحیح، بهترین تحلیل‌ها را درباره‌ی زمان و سراینده‌ی متن ابراز

داشته است. برزنامه، همچنان که او به درستی گفته است (کوسج، ۱۳۸۷: بیست و هشت- بیست و نه)، دو بخش کهن و جدید دارد که حداقل به دست دو شاعر مختلف خلق شده است. تفاوت‌های زبانی و ادبی (برتری ادبی متن اول نسبت به دوم و قدمت متن اول در سطح نحوی و بافت واژگانی در قیاس با بخش جدید)، نسبت متفاوت متن با عامل عامیانگی (که در متن دوم بسیار بالاست) و طبیعت اعلام این دو بخش چندان از هم دور است که تعلق دو متن به دو دوره‌ی مختلف را بی‌هیچ تردیدی ثابت می‌کند؛ مثلاً واژه‌های مغولی و اسامی خاص تاریخی متعلق به ترکان و مغولان که در بخش جدید تشخیص خاصی پیدا کرده، بخش زیادی از شخصیت‌های برزنامه‌ی جدید را شامل شده است. نام‌هایی چون چنگیز (متولد ۵۵۷ یا ۵۶۳ و متوفی ۶۲۴ ق.)، تمور (تیمور؛ دوره‌ی سلطنت: ۷۷۱-۸۰۷ ق.)، و شاهرخ (شاهرخ‌میرزا، پسر تیمور لنگ؛ دوره‌ی سلطنت: ۸۰۷-۸۵۰ ق.) که در این متن تبدیل به شخصیت‌های داستانی شده‌اند و حتی یکی از آن‌ها، تمور، پسر برزو و از شخصیت‌های اصلی متن است و قبل از شهرت تاریخی شخصیت‌های نامیده شده به این نام‌ها، هیچ‌نمودی در متون فارسی نداشته‌اند، نظر نحوی را که برمبنای اشاره به آن‌ها زمان سرایش بخش بلند را تا قرن دهم جلو برده است (رک. نحوی، ۱۳۸۰: ۳۸۰)، تأیید می‌کند.

تخمین زمان بخش اول که از آن با عنوان‌های بخش کوتاه، الحاقی یا قدیم نیز یاد کرده‌اند، مسئله‌ای دشوارتر است. نحوی برمبنای ترقیمه‌ی متن اساس که به ابتدای قرن نُه تعلق داشت (بیشینه: اواخر ۸) و اشاره‌نشدن بدان در منابع کهنی که به متون حماسی فارسی تا سده‌ی پنجم اشاراتی داشتند (کمینه: ۶)، حدس زد که این شاعر به احتمال بسیار، در قرن هشتم می‌زیسته است. (رک. کوسج، ۱۳۸۷: سی و یک- سی و نه) درباره‌ی این تخمین نحوی، حداقل اشکال ممکن این است که او چگونه اطمینان یافته است که متن در سده‌ی هفتم یا حتی اواخر سده‌ی شش سروده نشده است؟

درباره‌ی کمینه‌ی زمان سرایش اثر عدم اشاره‌ی *مجمل‌التواریخ و القصص* (تألیف ۵۲۰ ق.) و *نزهت‌نامه‌ی علایی* (تألیف بین ۴۸۸-۵۱۳ ق.) راهگشاست. این دو متن گزارشی از متون و همچنین قصص حماسی مشهور معاصر و مقدم بر خود می‌دهند؛ تاریخ

سیستان (بخش اول قرن ۵ و دوم قرن ۷) نیز که بعضاً درباره‌ی پهلوانان سیستانی اطلاعاتی می‌دهد (مثلاً اشاره‌ی آن به منبع منثور ۱۲ جلدی اخبار فرامرز؛ ۱۳۱۸: ۸)، در کنار این دو متن، مثلث دانش حماسی برون‌متنی ما را درباره‌ی حماسه‌های فارسی تا ابتدای سده‌ی ششم تشکیل می‌دهند. غالب این حماسه‌ها مثل داستان نبردهای فرامرز و بانوگشسپ هنوز تا زمان نوشتن این کتاب‌ها تبدیل به منظومه نشده بودند، اما به‌عنوان داستان، آن‌قدر شهرت داشتند که نسخه‌ی منثور یا شفاهی‌ای از آن‌ها توجه مورخان و قصه‌گویان را به خود جلب کرده باشد. نبودن کمترین اشاره به فرض وجود یک پسر برای سهراب ناکام و عدم ذکر نام یا بخشی از داستان برزو در شاهنامه، حماسه‌های کهن فارسی (گرشاسپ‌نامه، بهمن‌نامه و کوش‌نامه)، منابع تاریخی عربی و فارسی مرتبط با خدای‌نامه‌ها و همچنین در مثلث منابع برون‌متنی مذکور، دلایل کافی برای این حکم فراهم می‌شود که به احتمال قریب به یقین، داستان برزو، اگر در بازه‌ی زمانی خلق متون فوق، حتی اگر وجود هم داشته است، هنوز در حدی شهرت نداشته که وارد منابعی از این دست شود.

با توجه به سنت خلق منظومه‌های حماسی که معمولاً با وجود حامی - خریدارهایی چون درباره‌ها شکل می‌گرفتند و طبیعت این متون که از حیث حجم و زمان لازم برای سرایش و هزینه‌ی استنساخ بیش از دیگر انواع شعری به حامی نیاز داشتند، شاعران این منظومه‌ها برای خلق حماسه‌ی منظوم خود از داستان‌هایی سود می‌جستند که در زمان سرایش تاحدی شناخته‌شده به‌شمار می‌آمدند. بدین ترتیب، اگر داستان برزو تا پیشینه‌ی زمان منابع فوق (۵۲۰) هنوز مشهور نبوده باشد، فرض یک فاصله‌ی حداقل ۵۰ ساله برای شهرت گونه‌ی شفاهی یا منثور این داستان که به ایجاد بستر لازم برای خلق شکل منظومی از آن توسط یک شاعر منجر شود، طبیعی است. پس کمینه‌ی زمان سرایش بخش قدیم ۵۷۰ ق. است؛ یعنی با احتمال مبتنی بر روابط علمی بین قرائن موجود، متن برزوزنامه‌ی کهن باید بعد از ۵۷۰ ق. سروده شده باشد.

۲.۳. پیشینه زمان سرایش

درباره‌ی سطح واژگانی دو بخش *برزونامه* باید گفت: در *برزونامه‌ی کهن*، سطح واژگانی نسبت به دیگر متون حماسی متقدم چندان بدعتی نشان نمی‌دهد که بتوان بر مبنای آن درباره‌ی زمان متن قضاوت کرد. اگرچه کمیت واژه‌های مهجور نسبت به متون قرن ۵-۶ کمتر است، اما واژه‌ای در متن نیست که در زبان فارسی در سده‌های ۶ به بعد رایج شده باشد و به متن بدعت واژگانی ببخشد. همچنین برخلاف *برزونامه‌ی بلند* یا جدید، بخش کوتاه ضمن نداشتن واژه‌های ترکی متأخر، عاری از هرگونه واژه یا اعلام مغولی است.

بنابراین مهم‌ترین شاخص باقیمانده در این مورد رابطه‌ی نسخ قدیم متن است که از قرن ۹ آغاز می‌شود. تنها نسخه‌ی مستقل *برزونامه‌ی کهن*، کهن‌ترین نسخه‌ی شناخته شده از این متن (کمبریج)، مورخ ۸۲۹ ق. است. تشخیص پیشینه زمان سرایش از طریق تخمین فاصله‌ی زمانی این نسخه با نسخه‌ی مادر (متن مؤلف) امکان‌پذیر خواهد بود.

درباره‌ی *برزونامه‌های ملحق* به نسخه‌های *شاهنامه*، علاوه بر نسخه‌ی کمبریج، دو نسخه‌ی قدیم نزدیک بدان وجود دارد که نحوی در تصحیح خود از آن‌ها سود نجسته است. نسخه‌ی سن پترزبورگ (لنینگراد سابق) به شماره‌ی S1654 مورخ ۸۴۹ ق. که خالقی مطلق نیز در تصحیح *شاهنامه* از آن با شناسه‌ی «ل۲» استفاده کرده و اول‌بار ون‌دبرگ به‌عنوان نسخه‌ی *برزونامه* بدان اشاره کرده بود. در عین حال نسخه‌ی قدیم‌تری نیز موجود است که تنها سه‌سال با نسخه‌ی کمبریج فاصله دارد و اول‌بار در این جستار معرفی می‌شود: نسخه‌ی آرشیو ملی هند (دهلی نو)، ش. ۱۹۷۲، مورخ ۸۳۱ ه.ق. که تنها سه‌سال از نسخه‌ی کمبریج جدیدتر است.

حال با قیاس این سه‌نسخه و تخمین نسبت تفاوت آن‌ها با نسخه‌ی مادر فرضی، تخمین زمان سرایش نسخه‌ی مادر امکان‌پذیر است. طبیعتاً اگر سه‌نسخه در حدی به هم نزدیک باشند که بتوان تصور کرد، هر سه‌نسخه، از روی یک نسخه‌ی اصل نوشته شده‌اند، می‌توان حدس زد، بین نسخه‌ی مادر و آن نسخه‌ی اصل، با توجه به میزان کم نسخ متن در آن سده، حدود ربع قرن، و بین نسخه‌ی اصل تا رونوشت‌ها نیز حداقل همین مقدار

فاصله موجود باشد و در نهایت می‌توان حدس زد، نسخه‌ی مادر ۵۰ سال از اقدم نسخ ما قدیم‌تر باشد؛ یعنی متن بین ۷۵۰ تا ۷۸۰ ق. سروده شده باشد. این همان قرن هشتم (پیشنهاد نحوی) است. ولی نتایج مقایسه‌ی این سه نسخه کاملاً مغایر با حالت فوق است:

نسخه‌ی کمبریج، تنها نسخه‌ای از داستان برزو است که تحمیدیه‌ای در ستایش خداوند و مدح پیامبر (ص) و صحابه و یاران او (و نه آل وی؛ از شاعری احتمالاً اهل سنت) دارد که در تصحیح نحوی، متن با این بیت‌ها آغاز می‌شود (رک. کوسج، ۱۳۸۷: ۳)؛ البته سستی این چندبیت آغازین در قیاس با پختگی بقیه‌ی بیت‌ها در اصالت آن‌ها ایجاد تردید می‌کند. آیا این تحمیدیه در نسخه‌ی مادر وجود داشته یا کاتبی که می‌خواسته به متن استقلال بیشتری ببخشد، آن‌ها را سروده و به آغاز متن افزوده است؟ فرض دوم پذیرفتنی‌تر است. بعد از این بیت‌های احتمالاً الحاقی، روایتی در آشنایی سهراب و شهر و تولد برزو موجود است که کاملاً اصیل و زیر تأثیر داستان رستم و سهراب در ۷۵ بیت سروده شده است، ولی در دو نسخه‌ی هند و سن پترزبورگ، متن با مقدمه‌ای متفاوت در نکوهش حکمت دنیا (زیر تأثیر بیت‌های شاهنامه) و بدون ۷۵ بیت مذکور، از صحنه‌ی برگشتن افراسیاب از رزمگاه رستم و پس از شکست از وی (در پایان داستان بیژن و منیژه و بعد از نجات بیژن به دست رستم) و برخوردش با برزوی دهقان آغاز می‌شود؛ آغازی که در غالب برزونامه‌های ملحق به شاهنامه که داستان بعد از بیژن و منیژه شروع می‌شده است، عمومیت دارد؛ زیرا در این نسخه‌ها، برخورد شاه توران و برزو با بازگشتش از تقابل وی با تهمتن در انتهای داستان قبلی (بیژن و منیژه) پیوند خورده بود و ابیات محتوی تولد برزو که نوعی فلش‌بک به داستان رستم و سهراب بود، با روند زمانی پیوند دو داستان متناقض بود؛ بنابراین کاتبان این بخش آغازین را آگاهانه حذف کرده بودند. تفاوت سه نسخه، محدود به اختلاف شکلی گفته شده نیست. میزان قابل توجه تفاوت ضبط‌ها در سه نسخه‌ی اقدم موجود، کمبریج (۸۲۹)، دهلی (۸۳۱) و سن پترزبورگ (۸۴۹)، نشان می‌دهد، هیچ‌یک از دونسخه، رونوشت نسخه‌ی مادر نیستند و از حیث شجره‌شناسی

نسخه‌ها، با عصر شاعر فاصله درخور توجهی دارند؛ برای تخمین این فاصله، بررسی دقیقی بین سه نسخه صورت گرفت.

مطابق این بررسی، اختلاف ضبط در بین سه نسخه به صورتی است که در ۹۰ درصد موارد اختلاف، دو نسخه‌ی هند و سن پترزبورگ به هم شباهت دارند؛ ۱۰ درصد تفاوت میان دو نسخه عمدتاً از جنس تفاوت اعمال شده از جانب کاتب یا حداکثر تفاوت بیانگر یک نسل فاصله در نسخه‌ی اصل مشترک است. اما اختلاف این دو نسخه با کمبریج در حدی زیاد است که با مقایسه‌ی میزان تفاوت ضبط‌ها بین نسخ این متن، تا سه نسل قبل هم تصور وجود نسخه‌ی اصل مشترک دور از ذهن به نظر می‌رسد. در ادامه چند بخش از مقایسه‌ی ضبط‌ها به طور نمونه و کاملاً تصادفی از بخش‌های نخست منظومه نقل می‌شود (متن از نسخه‌ی کمبریج و تفاوت با دو نسخه در پانوش):

چو افراسیاب این شنید از جوان ^۲	دل پیرسر گشت از این شادمان ^۳
بفرمود کارند ^۴ ده بدره زر	همان تاج و آن یاره باگهر ^۵
ز دیبای زربفت رومی ^۶ سه تخت	چنان چون بود درخور نیک‌بخت ^۷
دو صد خو برویان ماچین ^۸ و چین	[ز دیبا، سراپرده و اسب و زین ^۹]
[صد اسب ^{۱۰} تگاور همه نیکرو ^{۱۱}]	صد استر همه بار دیبای چین ^{۱۲}
ز زین و لگام و جناغ ^{۱۳} خدنگ	رکاب مرصع ^{۱۴} ، جناق ^{۱۵} پلنگ
دو صد جوشن و تیغ ^{۱۶} [و] برگستان	همان نیزه و تیر ^{۱۷} و گرز گران

(برزنامه‌ی نسخه‌ی کمبریج: ۶الف؛ سن پترزبورگ: ۱۵۵ب؛ هند: ۱۸۸ب)

در بیت‌های بالا، به طور متوسط در هر بیت، دو ضبط مختلف بین نسخه‌ی کمبریج و دو نسخه‌ی دیگر دیده می‌شود. از هر دو اختلاف، یک اختلاف ضبط، در بین دو نسخه، متضمن ضبط‌های هم‌ارز است و یک ضبط نیز حاوی ضبط دشوارتر، کهن‌تر یا لااقل، به دلایل متنی و سبکی، صحیح‌تر است و در همه‌ی این موارد ضبط اصح به دو نسخه‌ی سن پترزبورگ و هند متعلق است (ضبط بشنویید به جای شنید به عنوان سوم شخص؛ تصویر درخت تابان یاقوت و پیروزه به جای جمله‌ی عادی متناظر؛ نو دوندگی چرخ

گردنده، به جای صد استر همه بار دیبای چین؛ جنای به جای جناغ؛ جناغ به جای جنای؛
 رکاب دراز به جای رکاب مرصع و جند به جای تیغ). در ادامه بخشی دیگر از مقایسه‌ی
 سه نسخه ارائه می‌شود:

کمندی ز ابریشم و چرم شیر	یکی تیغ درخورد مرد دلیر ^{۱۸}
سپرهای روسی ^{۱۹} و چندی زره	چو زلف بتان سربه‌سر پُرگره
همه یکسره پیش برزو نهاد	چو برزو بدید آن زبان برگشاد
به شه گفت کای شاه ماچین و چین!	سرافراز ایران [و ^{۲۰}] توران‌زمین
نیاید به کار من این ساز جنگ	به سوزن نبندند چرم ^{۲۱} پلنگ

(کمبریج: ۸؛ سن‌پترزبورگ: ۱۵۵؛ هند: ۱۹۰؛ اب)

آنچنان که در بیت‌های بالا دیده می‌شود، در مواردی اختلاف ضبط‌ها بین دو طرف
 به نیم این میزان نیز تقلیل می‌یابد؛ اما همچنان نیمی از این اختلافات، به نفع دو نسخه‌ی
 ه. و س. رجحان نشان می‌دهد (ضبط‌هایی مثل ستیر، سپر روسی و سوسه یا شوشه).
 بیت‌های ذیل نیز در ادامه‌ی همین تقابل به‌طور تصادفی نقل شده است:

پوشید خفتان و خودی به سر ^{۲۲}	نهاد و میان را بیستش کمر ^{۲۳}
[یکی خود رومی به سر برنهاد	سر ترکش تیر را برگشاد ^{۲۴}]
به باره برافگند برگستوان	یکی باره مانند کوهی ^{۲۵} دوان ^{۲۶}
چو ^{۲۷} باره برآمد چو غرنده ^{۲۸} شیر	ز آهن، کمان ^{۲۹} و ز الماس، تیر ^{۳۰}
کمان سپهد گرفتش به چنگ	همی تاخت هر سو به‌سان پلنگ ^{۳۱}
تو گفتی سپهر ^{۳۲} است با زور و تاب	که دارد بر آوردگه بر، شتاب ^{۳۳}
درختی است گفتی ز آهن به بار	گشاده دو بازو چو شاخ چنار
ز سام نریمان‌ش نشناخت کس	تو گفتی که سام سوار است و بس

ز بالا و ران و زیال و رکیب^{۳۴} دل جنگجویان شده پرنهیب
 سرافراز افراسیاب و سپاه ستاده بر آن دشت و^{۳۵} دل، کینه خواه
 جهانجوی برزو گرفته^{۳۶} کمان^{۳۷} به میدان درآمد چو باد دمان
 یکی بود و ده نامداران چین همی بردیدند روی زمین
 چنان کرد برزو بسیج نبرد که از رنج بر تش نشست^{۳۸} گرد
 ز نام آوران رفت از آن^{۳۹} تاب^{۴۰} هوش چو^{۴۱} برزو بر آورد نیزه به دوش^{۴۲}
 ستوه آمدند آن دلیران ز^{۴۳} اوی همی گفت هرکس که ای^{۴۴} نامجوی!
 ز^{۴۵} مردم نژاده ست^{۴۶}، از^{۴۷} آهرمن است و یا کوه البرز در جوشن است

(کمبریچ: ۹؛ سن پترزبورگ: ۱۵۴؛ هند: ۱۹۰-اب-۱۱۹۱)

درباره‌ی اعلام خاص نیز در بیت‌های دو نسخه‌ی دوم نسبت به نسخه‌ی اقدم، ضبط‌های بهتری از این اسامی خاص دیده می‌شود که بعضاً در تصحیح نحوی برای مصحح مشکل ساز نیز بوده‌اند. از جمله ضبط مغشوش «عحعار» در نسخه‌ی کمبریچ در بیت‌های ذیل، که در تصحیح نحوی، با درج علامت (؟) در پانویس، ابهام آن مشخص شده است و در نسخ دیگر تصحیح مذکور نیز که بسیار متأخرند، با تحریف بیت، به جای حل، صرفاً حذف شده است. (رک. کوسج، ۱۳۷۸: ۲۵) این واژه در دو نسخه‌ی دهلی و سن پترزبورگ به صورت «قشقاو» ضبط شده، نام دیوی بوده که به دست رستم هلاک شده بود، صرفاً خاستگاه شفاهی داشته است:

چو کاموس جنگی و^{۴۸} خاقان چین چو فغفور و^{۴۹} چون سنگل دوربین
 چو منشور ایلا، چو عحعار^{۵۰} گرد همان چنگش^{۵۱} گرده با دستبرد
 دگر نامور گرد سهراب شیر که پیل ژیان آوریدی به زیر

(کمبریچ: ۷؛ سن: ۱۱۵۵؛ هند: ۱۱۸۹)

آنچنان که دیده می‌شود، کمیت تفاوت‌ها بین دو نسخه شایان توجه است. در بررسی‌ای جامع در کل متن، به طور میانگین در هر بیت دو اختلاف بین دو طرف قابل جستجو

است. علاوه بر این در اغلب موارد، ضبط دو نسخه‌ی هند و سن پترزبورگ از ضبط کمبریج اصیل‌تر به نظر می‌رسد. در بیت‌های بالا جدا از قدمت و اصالت، شواهد نیز در تأیید این موضوع یافت می‌شود؛ مثلاً، در بیت ذیل، مصراع دوم در کمبریج به صورت «به سوزن نبندند چرم پلنگ» بود و در دو نسخه‌ی دیگر به شکلی متفاوت. فرهنگ *آندراج*، این بیت را در شواهد لغت «سوسه» البته به اشتباه رایج در فرهنگ‌های فارسی، از قول فردوسی نقل کرده است که اصالت ضبط دو نسخه‌ی مذکور را نشان می‌دهد: «نیاید به کار من این کار جنگ / کجا سوسه سنجد به چنگ پلنگ^{۵۲}... فردوسی» (*آندراج*، ذیل «سوسه»)

در تمام موارد اختلاف، این برتری دیده می‌شود. در موارد انگشت‌شماری که ضبط کمبریج دشوارتر است، نیز اندکی بررسی، اصالت آن را زیر سؤال می‌برد؛ مثلاً، از معدود لغت‌های دشوار کمبریج در قیاس با دو نسخه‌ی اقدم دیگر (در موارد تفاوت)، واژه‌ی «دیان» است که در تمام نسخه به جای «یزدان» آمده است. درباره‌ی این واژه، وجودنداشتن آن در هیچ نسخه‌ی دیگر این متن و هر متن حماسی دیگری و همچنین تحمیدی‌ی الحاقی این نسخه که نشان می‌دهد، کاتب آن (جهانگیر) یا کاتب نسخه‌ی اصل وی، احتمالاً فرد سنی اشعری متعصبی بوده است و ظاهر زردشتی واژه‌ی یزدان که در سده‌ی نهم دیگر چندان در شعر فارسی پرکاربرد نبوده است، این امکان را برای کاتبی بنیادگرا در این عصر قوت می‌دهد که او یک صیغه‌ی مبالغه‌ی عربی را (که البته ریشه‌ی دخیلی از واژه‌ی پهلوی دئنا/ دین، محتملاً با واسطه‌ای سریانی دارد)، جایگزین زمینه‌ی مجوسانه‌ی واژه‌ی یزدان، به باور خود، کرده باشد؛ فرضی که البته بیشتر از حد یک احتمال نیست.

آنچنان‌که در شواهد بالا مشخص بود، وجود میانگین دو تفاوت در هر بیت برای متنی که در قرن کتابت نسخ فوق (قرن ۹) به تعداد کمتر از انگشتان یک‌دست، نسخه از آن باقی مانده است^{۵۳}، تفاوتی بسیار بالاست و حاکی از اختلاف بین منبع کتابت از سه تا پنج نسل است. نکته‌ی دیگر این است که در موارد اختلاف، نیمی از ضبط‌های مختلف دو طرف هم‌ارزند و در نیمی دیگر، در غالب موارد ضبط دو نسخه‌ی هند و سن پترزبورگ

ضبط اصح و قدیم تر است. این کاملاً فرض تصحیح نحوی را درباره‌ی اصالت این نسخه و نزدیکی آن به نسخه‌ی مادر رد می‌کند. احتمالاً نسخه‌ی کمبریج، کتابت شده از روی نسخه‌ی الحاقی دیگری بوده است که برای مستقل نمودنش، تحمیدیه‌ی سستی نیز به آغاز آن افزوده شده است. بین نسخه‌ی مادر تا اولین نسل نسخ الحاقی نیز دو-سه نسل تفاوت زمانی منطقی باید وجود داشته باشد. بدین ترتیب، بین اقدم نسخ موجود تا نسخه‌ی مادر احتمالی، وجود ۶ نسل فاصله (سه نسل تا یک نسخه‌ی اصل مشترک بین دو واریانت کمبریج و هند/سن پترزبورگ + ۳ نسل بین نسخه‌ی مادر با این نسخه‌ی مشترک فرضی) قابل تصور است^{۵۴} و با احتساب ۲۵ سال فاصله بین هر نسل از کتابت حاوی اختلاف در ضبط، فاصله‌ی زمانی بین اقدم نسخ و نسخه‌ی مادر، به‌طور متوسط تا یک‌ونیم قرن قابل تخمین است؛ البته با توجه به احتمالی بودن حدس تا ۵۰ سال خطا به بالا یا پایین، درباره‌ی این تخمین بیشینه‌زمان منطقی به‌نظر می‌رسد. درباره‌ی دو نسخه‌ی هند و سن پترزبورگ نیز در موارد اختلاف، در ۱۰ درصد اختلاف‌ها، نسخه‌ی هند حاوی ضبط اصح است که بدین ترتیب، باید آن را بهترین نسخه‌ی فعلی در نظر گرفت؛ البته نه تا حدی که بدون کمک نسخ دیگر متن را بتوان تصحیح انتقادی کرد. بدین ترتیب، بیشینه‌زمان سرایش متن برزنامه‌ی کهن، سال ۶۸۰ ق. خواهد بود که احتمالاً با تصور خطای موجود بین تا ۶۳۰-۷۳۰ ق. نیز قابل تسری خواهد بود.

۴. بازه‌ی زمانی سرایش منظومه و عصر، با انگیزه‌ی شاعر

بدین ترتیب، با شواهد درون‌متنی نسخه‌های برزنامه‌ی کهن و تحلیل نسبت آن‌ها با منابع برون‌متنی، فرض صائب نحوی درباره‌ی سده‌ی سرایش این متن را می‌توان با پرورش فرضیه در مسیر یک نظریه‌ی مبتنی بر محاسبات منطقی، حداکثر یک قرن عقب برده، اثر را محصول احتمالی سده‌ی هفتم دانست و در مسیر ترسیم حدود این احتمال، بازه‌ی زمانی ممکن برای سرایش این حماسه‌ی منظوم را در فاصله‌ی اواخر سده‌ی شش تا اوایل

سده‌ی هشت قلمداد کرد. همچنین در تجمیع بیشینه و کمینه‌زمان محاسبه‌شده در این جستار، متن را می‌باید متعلق به سال‌های بین ۵۷۰ تا ۶۸۰ ه.ق. دانست.

بازه‌ی زمانی‌ای که این عصر را نمایندگی می‌کند، از نظر تاریخی، مقارن با افول سلطه‌ی غزنوی- سلجوقی و آغاز عصر پرتلاطم تازش مغول و به تدریج، کرانه‌گزیدن این عصر پرآشوب در دوره‌ی ایخانی و نهایتاً طلوع عصر تیموری است. از حیث سنت ادبی شاهنامه، به اعتبار نسخه‌های آن، کهن‌ترین نسخه‌های موجود از شاهنامه با همین عصر تقارن دارند و به نوعی تبعید سیاسی اثر از حاشیه به متن دربارها و تحولات سیاسی و رونق کتابت و تکمیل نسخ شاهنامه، همگام با عصری است که شاعری کوسج‌نام تصمیم گرفته بوده، ادامه‌ی داستان رستم و سهراب را احتمالاً از چرخه‌ی سیستانی روایت‌های حماسی حلقه‌ی رستم، اخذ و دست‌مایه‌ی سرایش این نظیره‌ی شاهنامه قرار دهد. این عصر همچنین، نسبت به عصر پیشین و پسین، عصری است که سرایش منظومه‌های حماسی پهلوانی مستقل از شاهنامه، جای خود را به تکمیل متن شاهنامه‌ی فردوسی و سرایش فضاهای خالی این حماسه‌ی معیار کرده است. داستان‌های حماسی بعضاً کوتاهی که هرکدام دنباله‌ی بخشی از داستان‌های مشهور شاهنامه در فضای ذهنی حماسه‌سرایان شفاهی بودند؛ آنچنان‌که داستان شبرنگ دیو در ادامه‌ی هفت‌خان و رزم رستم با دیو سپید شکل می‌گیرد؛ داستان برخیا س در ادامه‌ی اکوان، داستان آذربرزین در ادامه‌ی داستان بهمن، داستان ارهنگ دیو در ادامه‌ی داستان پولادوند دیو، هفت لشکر دوم در ادامه‌ی هشت لشکر اول... و به‌ویژه تکمله‌های محبوب‌ترین داستان شاهنامه بین مخاطبان، رستم‌وسهراب، و به‌طور اخص داستان برزو. این متن‌ها برای تکمیل متن شاهنامه و حتی الحاق بدان سروده شده‌اند و گاه حتی نسخه‌ی مستقل از شاهنامه ندارند و از ابتدا در ضمن برگ‌های این اثر ضبط شده بودند. برزونامه‌ی کهن شاخص‌ترین این متن‌ها است که از قرن نهم به‌صورت الحاقی وارد متن شاهنامه شده است. در پایان منظومه، بیتی هست که به اعتبار وجودش در همه‌ی نسخ، حتی اقدم نسخ که نسخه‌ای

مستقل از شاهنامه است (برزنامه‌ی نسخه‌ی کمبریج: برگ ۹۵)، اصیل و سروده‌ی شاعر است:

... چو از «رزم برزو» پرداختم ز «گودرز و پیران» سخن ساختم

این بیت به داستان بعدی شاهنامه، «یازده رخ» (گودرز و پیران) اشاره می‌کند. این اشاره در کنار صحنه‌ی برخورد افراسیاب با برزو در آغاز منظومه که ادامه‌ی صحنه‌ی شکست او از رستم در پایان داستان بیژن و منیژه است، ثابت می‌کند، شاعر از ابتدا، منظومه را با انگیزه‌ی افزودن یا تکمیل بخشی از شاهنامه‌ی فردوسی سروده است. شاید یکی از دلایل محو نام کوسج از غالب نسخه‌های منظومه، همین انگیزه‌ی آغازین وی در خلق اثری، در عرض اثر معیار ژانر حماسی فارسی (شاهنامه‌ی فردوسی) بوده باشد که استقلال متنش را به نفع انضمامش به متنی بزرگ‌تر قربانی کرده است.

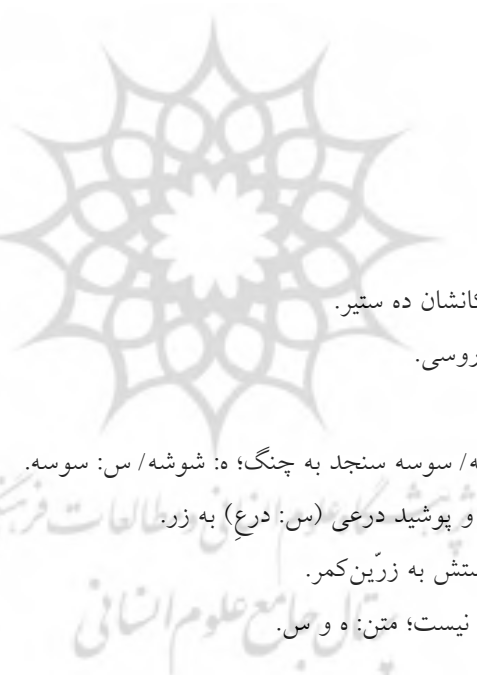
۵. نتیجه‌گیری

بدین ترتیب، مطابق پژوهش انجام‌شده در این جستار، اولاً با جستجوی اسناد دیگری علاوه بر نسخه‌ی اقدم کمبریج، ثابت می‌شود که سراینده‌ی برزنامه‌ی کهن، شاعری با نام و لقب شمس‌الدین محمد کوسج (کوسه) بوده است که از او با عنوان‌های «مولانا»، «سرخ-کوسه» و «ترک‌کوسه» نیز یاد شده است؛ لقب اخیر او می‌تواند حاکی از ارتباط او با هویت یا جغرافیای ترکی باشد. همچنین نام او در یکی از شاخه‌های تبار نسخه‌های متن وجود داشته و متعلق به یکی از چند رونوشت اصلی این متن است. این نام در این نسخ، تا سده‌ی ۱۲ هجری نیز تداوم داشته و بخشی از کاتبان شاهنامه علاوه بر علم به تعلق نداشتن این داستان به فردوسی، این سراینده را نیز می‌شناختند. همچنین نسخه‌ی کمبریج ۸۲۹ ق. نسخه‌ی نزدیک به نسخه‌ی مادر نیست و نسخه‌هایی چون نسخه‌ی ۸۳۱ ق. هند و ۸۴۹ ق. سن پترزبورگ، ضمن تفاوت درخور توجه با این نسخه (در حد دو تفاوت در هر بیت به‌طور میانگین) دارای ضبط‌های صحیح‌تری نیز هستند. تفاوت این نسخه‌ها با هم و تخمین نسل‌های احتمالی، متضمن فاصله‌ی رونوشت‌ها از نسخ اصل فرضی و

نسخه‌ی مادر مؤلف، تخمین یک فاصله‌ی حدود یک‌ونیم سده بین نسخه‌ی مادر و نسخه-ی اقدام را نشان می‌دهد. همچنین قرائن نشان می‌دهد که این متن قبل از اواخر سده‌ی ۶ نمی‌تواند سروده شده باشد؛ بنابراین قرن احتمالی سرایش متن، سده‌ی هفتم و بازه‌ی زمان احتمالی سرایش اثر بین ۵۷۰ تا ۶۸۰ ه.ق. بوده است. این اثر، متن شاخص دوره‌ای از حماسه‌سرایی فارسی است که سرایندگان آن، قصد تکمیل داستان‌های شاهنامه را با دنباله‌های داستانی‌ای داشته‌اند که بعضاً مستحدث و فاقد خاستگاه مکتوب بوده‌اند. همین فرایند از قرن نهم به بعد، به رشد داستان‌های برافزوده به متن شاهنامه انجامیده است که غیر از چند مورد که از منظومه‌های قدیمی اخذ شده بودند، در بقیه‌ی موارد، داستان برافزوده از اول، برای ملحق‌شدن سروده شده بوده است. همین عامل به گمنامی هویت و زمان سرایش این منظومه‌های حماسی انجامیده است. ابهام درباره‌ی زمان سرایش و نام سراینده‌ی برزنامه‌ی کهن نیز از همین جنس است. یافته‌های نسخه‌ها، تنها ابزاری است که در رفع ابهام درباره‌ی این متون به پژوهشگران یاری می‌کند. دسترسی به جامع نسخ این متن‌ها، کلید اساسی تدوین شناخت‌نامه‌ی آن‌ها است. این جستار کوشیده است، نمونه‌ی این کاربرد بررسی نسخ در شناخت بهتر متن را درباره‌ی شاخص‌ترین متن حماسی گمنام مؤلف فارسی نشان دهد و راهگشای پژوهش‌های مشابه درباره‌ی متون دیگری باشد که با چنین وضعیت ابهام‌آمیزی به دست ما رسیده‌اند.

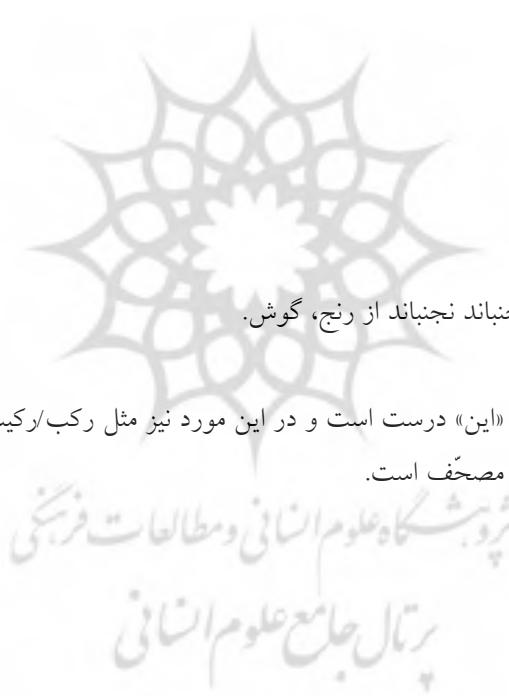
یادداشت

۱. وقتی شواهد ثابت می‌کند، متن تا زمان n سروده نشده است، کمینه زمان سرایش $1+n$ خواهد بود. در مورد بیشینه این رابطه بر عکس خواهد بود $(1-n)$.
۲. ه و س: از او بشنوید (ه شناسه‌ی نسخه‌ی هند و س، شناسه‌ی نسخه‌ی سن پترزبورگ است).
۳. ه و س: پُرگهر.
۴. ه و س: به گنجور گفتش که.
۵. ه و س: پُرگهر.
۶. س: رومی و زرین.



۷. ه و س: ز یاقوت و پیروزه، تابان درخت.
۸. ه و س: تاتار.
۹. ک: -؛ قلاب مربوط به جایی است که استثنائاً قسمتی از دو نسخه‌ی ه و س در متن نقل شده است که در ک وجود نداشته است.
۱۰. س: از آن بارگیر.
۱۱. ک: -؛ مصرع اول بیت قبل با مصرع دوم این بیت در نسخه‌ی ک تبدیل به یک بیت واحد شده است؛ متن: ه.
۱۲. ه و س: دونه چو این چرخ گردنده نو.
۱۳. ه و س: جنای.
۱۴. ه و س: دراز و.
۱۵. ه و س: جناغ.
۱۶. ه و س: جناغ.
۱۷. ه و س: تیغ.
۱۸. س: بسی تیر و پیکانشان ده ستیر.
۱۹. ه و س: سپر چند روسی.
۲۰. ه و س: و.
۲۱. ه و س: کجا شوشه / سوسه سنجد به چنگ؛ ه: شوشه / س: سوسه.
۲۲. ه و س: بزد دست و پوشید درعی (س: درع) به زر.
۲۳. ه و س: میان را بیستش به زرین کمر.
۲۴. بیت در ک موجود نیست؛ متن: ه و س.
۲۵. س: کوه.
۲۶. ه و س: روان.
۲۷. ه و س: به؛ ضبط ک (چو) به نظر غلط و محتمل تصحیف است.
۲۸. س: ارغنده.
۲۹. ه: ز کیمال موزه؛ س: ز آهنش، موزه.
۳۰. ه و س: تیغ؛ در ه و س، دو مصرع نسبت به ک جابه‌جا آمده است.

۳۱. بیت در نسخ ه و س وجود ندارد.
۳۲. ه و س: سپهری.
۳۳. ه و س: و یا در بهاران یکی رود آب؛ با توجه به معنای اتیمولوژیک رستم و رودابه، تشبیه به رود بار اساطیری دارد.
۳۴. ک و س: رکاب؛ با توجه به قافیه‌ی مصرع بعد باید تفاوت فقط در صورت کتابت باشد نه در ممال نبودن رکیب در نسخه‌ی س.
۳۵. ه و س: - و.
۳۶. ه: به بازو.
۳۷. س: سر سروران.
۳۸. س: بنشست.
۳۹. ه و س: زان.
۴۰. ه و س: رنج.
۴۱. ه و س: که.
۴۲. ه و س: که برزو نجنباند نجنباند از رنج، گوش.
۴۳. ه و س: از.
۴۴. ک و س: ای؛ قطعاً «این» درست است و در این مورد نیز مثل ركب/رکیب، ضبط ه درست و ضبط س و ک، ضبط مصحف است.
۴۵. ه و س: نه.
۴۶. ه و س: نژادست.
۴۷. ه و س: - از.
۴۸. س: چو.
۴۹. س: - و.
۵۰. ه و س: قشقاو.
۵۱. س: شیر.
۵۲. دهخدا در نقل این شاهد چنگ را تصحیفاً جنگ ضبط کرده است.



۵۳. علاوه بر سه نسخه‌ی اقدم و مورخ مذکور، تنها یک نسخه‌ی غیرمورخ شاهنامه‌ی فردوسی محتوی برزنامه‌ی کهن که از روی دانش نسخه‌شناسی قرن ۹ را نشان می‌دهد، شناسایی شده است و آن نسخه‌ی کتابخانه‌ی رایلند منچستر، با شماره‌ی MS.9، (متفاوت با نسخه‌ی معرفی شده توسط سلمی) است.

۵۴. نویسنده‌ی جستار با فرض مجموع سه نسخه‌ی فوق به عنوان نسخ مشترک اساس و با بررسی دیگر نسخ متن در پنج رده‌ی قرنی (۹-۱۲)، چندین سال است که به تحقیق و نقد متنی این متن و تبیین تبارهای نسخ آن مشغول است که در آینده، نتایج این تحقیق منتشر خواهد شد.

منابع

خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۶). حماسه: پدیده‌شناسی تطبیقی شعر پهلوانی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

خانلری کیا، زهرا. (۱۳۴۱). راهنمای ادبیات فارسی (فرهنگ اعلام و اصطلاحات). تهران: ابن سینا.

دبیرسیاقی، سیدمحمد. (۱۳۸۲). برزنامه و داستان کک کوهزاد. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. ۱۶ ج، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.

رزمجو، حسین. (۱۳۸۱). قلمرو ادبیات حماسی ایران. ۲ جلد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ریاحی، محمدامین. (۱۳۸۷). فردوسی. تهران: طرح نو.

سلمی، عباس. (۱۳۷۳). «پژوهشی در برزنامه و زمینه‌های مختلف آن». دانشکده‌ی ادبیات مشهد، سال ۲۷، شماره‌ی ۱، صص ۱۵-۳۴.

شکوهی، فریبا. (۱۳۸۴). «برزنامه». دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی. ج ۱، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران: فرهنگستان ادب فارسی.

- شریف‌زاده، سیدعبدالمجید. (۱۳۹۳). *شاهنامه‌نگاری در ایران*. تهران: سوره‌ی مهر.
- شمس، اسماعیل؛ جعفری‌قنواتی، محمد. (۱۳۹۱). «برزنامه». *دانشنامه‌ی فرهنگ مردم ایران*، ج ۲، تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۳۳). *حماسه‌سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۴۷). *تاریخ ادبیات در ایران*. ج ۲، تهران: ابن سینا.
- کوسج، شمس‌الدین. (۱۳۸۷). *برزنامه (بخش کهن)*. تصحیح اکبر نحوی، تهران: میراث مکتوب.
- _____ *برزنامه (بخش کهن)*. نسخه‌ی کتابخانه‌ی دانشگاه کمبریج، شماره‌ی Kings Ms. ۵۶، مورخ ۸۲۹ ه.ق.
- کویر، محمود. (۲۰۱۶). *بر بال سیمرخ: جستارهایی درباره‌ی شاهنامه*. H&S Media، عوفی، محمدبن محمد. (۱۳۳۵). *لباب الالباب*. ج ۱، تهران: چاپ سعید نفیسی.
- فردوسی، ابوالقاسم. *شاهنامه*. نسخه‌ی کتابخانه‌ی آرشیو ملی هند (دهلی نو)، شماره‌ی ۱۹۷۲، مورخ ۸۳۱ ه.ق.
- _____ *شاهنامه*. نسخه‌ی کتابخانه‌ی بادلیان دانشگاه آکسفورد (انگلستان)، شماره‌ی C.26، بی تا.
- _____ *شاهنامه*. نسخه‌ی کتابخانه‌ی سنت پترزبورگ، شماره‌ی ۱۶۵۴، مورخ ۸۴۹ ه.ق.
- _____ *شاهنامه*. نسخه‌ی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، شماره‌ی ۲۵۷، بی تا.
- _____ *شاهنامه*. نسخه‌ی کتابخانه‌ی رایلند دانشگاه منچستر، شماره‌ی MS.9، بی تا.
- محمدی، علی. (۱۳۸۴). *حماسه‌ی برزنامه*. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- معصومی، غلامرضا. (۱۳۹۳). *دایره‌المعارف اساطیر و آیین‌های باستانی جهان*. ج ۳، تهران: سوره‌ی مهر.
- ملکی، توکا. (۱۳۸۰). *زنان موسیقی ایران از اسطوره تا امروز*. تهران: کتاب خورشید.

نحوی، اکبر. (۱۳۸۰). «ناگفته‌هایی درباره‌ی بَرزوناامه». *دانشکده ادبیات مشهد*، سال ۳۴، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۳۷۱-۳۸۸.

هانوی، ویلیام. (۱۳۷۶). «بَرزوناامه». *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، ج ۳، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

هدایت، رضاقلی‌بن محمد هادی. (۱۳۳۶-۱۳۴۰). *مجمع‌الفصحاح*. ۶ج، تهران: چاپ مظاهر مصفا.

Bloch, Edgar. (1954). *Catalogue of The Persian, Turkish, Hindustani And Pashtu Manuscripts In The Bodleian Library. Part III: Additional Persian Manuscripts*. Beeston Oxford at the Clarendon press.

Browne, Edward Granville. (1922). *A Supplementary Hand-list of the Muhammadan Manuscripts in the Libraries of the University and the Colleges of Cambridge*, Cambridge.

De Blois, Francois. (1994). *Persian literature— A Bio-Bibliographical Survey*, Vol. V, Part 2, London.

Hanaway, William. (1990). "Borzu-nāma," *Eir*. Volume IV, pp.380-81.

Molé, Marijan. (1953). "L'épopée iranienne après Firdosi," *La Nouvelle Clio* 5, pp. 377-93.

Storey, Charles Ambrose & François de Blois (1994). *Persian Literature: A Bio-bibliographical Survey*, Volume 5, Part 2, *Persian Literature: A Bio-bibliographical Survey*, Royal Asiatic Society Books.

Van den Berg, Gabriell. (2009). "Borzu-nāma" (article 2), *Eir (Encyclopedia Iranica) Online*, 6 March 2009, <http://www.iranicaonline.org/articles/borzu-nama-2-epic-poem>.

_____. (2011). "The Borzu-nāma in the Persian manuscripts", *Proceedings of the Millennium Conference of Shah-nameh*, Ed.: M.J. Yahaghi, May 24th, 2011, Tehran: Persian Language and Literature Academy, pp. 1-10.

Van Zutphen, Marjolijn. (2014). *Farāmarz, the Sistāni Hero: Texts and Traditions of the Farāmarznāme and the Persian Epic Cycle*, *Studies in Persian Cultural History*, BRILL.